

تحلیل روان‌شناختی جایگاه مخاطب‌شناسی و نقش احساس و ادراک در مهندسی تلاوت

محمد صادق بهشتی^۱

چکیده

پژوهش پیش‌رو با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از نظریه روان‌شناختی تحلیل رفتار متقابل به بررسی جایگاه مخاطب‌شناسی و نقش احساس و ادراک در مهندسی تلاوت پرداخته است. در این راستا سه گونه تلاوت «والدانه»، «کودکانه» و «بالغانه» مورد شناسایی و تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در تلاوت‌های والدانه یکی از حالت‌های والد (ملامت‌گر یا حمایت‌گر) برجسته گشته و تلاوت تلاوت‌گر تحت‌الشعاع پیام‌های منفی و مثبت درونی والد خویش قرار می‌گیرد. از این رو مخاطب اصلی تلاوت همان «والد» تلاوت‌گر بوده و انتقال و ظهور احساسی اصیل و به تبع آن ادراکی شایسته در مخاطب تحت تأثیر فعل و انفعالات والدانه تلاوت‌گر قرار می‌گیرد. در تلاوت کودکانه یکی از حالت‌های روان‌شناختی کودک (انطباقی، طبیعی و خلاق) در فرد برجسته می‌گردد. در این گونه تلاوت‌ها، مهندسی تلاوت به گونه‌ای نمود می‌یابد که در آن احساس و ادراک مخاطب تحت‌الشعاع اطمینانی اغراق‌گونه به حالت احساس اکنون تلاوت‌گر قرار می‌گیرد. گرچه وجود همین ویژگی می‌تواند امکان تأثیرگذاری مطلوب بر مخاطب و ماندگاری چنین تلاوت‌هایی را تقویت کند. یافته اصلی پژوهش حاضر این می‌باشد که تنها در گونه سوم یعنی همان تلاوت بالغانه بیشترین میزان تأثیرگذاری بر مخاطب در حوزه القای حس و به تبع آن ادراک حاصل می‌گردد؛ از این جهت که تلاوت‌گر بالغ یکپارچه‌اش به مدیریت آگاهانه حالات سه‌گانه مذکور می‌پردازد. از این رو به اقتضا و شرایط روان‌شناختی و روحی مخاطبین و به واسطه انطباق تلاوت خویش با مضامین و مفاهیم آیات قرآن کریم از تمامی یا بخشی از این حالات در چینش و مهندسی تلاوت خویش بهره می‌برد.

واژگان کلیدی: مهندسی تلاوت، مخاطب‌شناسی، احساس، ادراک، والد، کودک، بالغ

بیان مسأله

قرآن کریم به مثابه کتابی دارای مضامین روح‌بخش و دلنواز، شایسته اجرایی هنرمندانه و فاخر جهت نفوذ بیشتر در قلوب مخاطبان می‌باشد. قلبی که در برابر ژرفای عمیق این کتاب انسان‌ساز خاضع و خاشع گشته و مهبای پذیرش مضامین آسمانی و فطری‌اش گردد. از همین رو ضرورت اجرایی هنرمندانه و شایسته در جهت انتقال شایسته‌تر چنین مضامین و مفاهیم نابی در دل‌های مخاطبان بیشتر باید مورد توجه واقع گردد. تلاوت قرآن کریم به مثابه فنّی تخصصی و هنری، خود دارای ظرفیت‌هایی شگرف در راستای ارتباطی متعالی با مخاطب آیات قرآن است. به بیان دیگر در این فن، ساز و کارهایی تخصصی چون صوت، لحن، تجوید و وقف و ابتدا بسان ابزارهایی در دست‌ان تالی کتاب خدا می‌تواند به ارتباطی بسیار مؤثرتر با مخاطب آیات وحی منجر گردد. مؤلفه‌هایی که می‌توانند در کنار یکدیگر ساختاری منظم، همگون و منسجم تشکیل داده و به مثابه ابزاری کارآمد در جهت انتقال مضامین روحانی و معنوی کلام وحی به مخاطب عمل نمایند.

ناگفته پیداست چینش مؤلفه‌های مذکور به گونه‌ای که دارای هم‌گونگی، انسجام و نظم ساختاری با بالاترین میزان تأثیر در دل‌های مخاطب آیات گردد، در قدم اول با دانش، مهارت و تخصص قاری قرآن ارتباط خواهد داشت. به گونه‌ای که می‌توان توانمندی در ایجاد چنین ساختاری در تلاوت قرآن را با مفهوم «مهندسی تلاوت» مرتبط دانست؛ زیرا عنصر پایه و بنیادین در مهندسی تلاوت همان «هندسه» یا مقدار، کمیت و نسبت صحیح عناصر و مؤلفه‌های چهارگانه تلاوت (صوت، لحن، تجوید و وقف و ابتدا) با محوریت اجرایی تأثیرگذار بر مخاطب آیات

^۱ دکترای علوم سیاسی، مدرس دانشگاه، فعال قرآنی

وحی است. از همین روست که ضرورت شناخت مستمع و جایگاه خاص او به عنوان مخاطب آیات شریفه قرآن کریم اهمیتی اساسی یافته و مهندسی عناصر و شاخصه‌های تلاوت را در این راستا می‌طلبد. زیرا اگر مبادی، اصول و شاخصه‌های تلاوت قرآن را بسان امری «هنری» انگاریم، طبعاً هنر تلاوت نیز ناگزیر از داشتن دو سوی یا دو طرف خواهد بود: اجراکننده هنر تلاوت یعنی قاری و مخاطب هنر تلاوت یعنی مستمع. در این راستا عرضه هنر تلاوت بر مستمع و یا مخاطب آن نیازمند بهره‌گیری از ابزارهایی هنری چون «حس» و به تبع آن ظهور «ادراک» در مخاطب تلاوت است. از این جهت که هنر بدون بازنمایی احساس از درون تهی گشته و کارکرد اساسی خویش یعنی همان ارتباط با مخاطب را از دست می‌دهد. از همین روست که استفاده صحیح و مؤثر از چنین ابزاری خود می‌تواند به چینه‌ساختارمند و منظم عناصر تلاوت (مهندسی تلاوت) در راستای برقراری یک ارتباط مطلوب با مخاطب منجر گردد. در همین راستا از آنجا که در میان دانش‌های امروزی، دانش روانشناسی بر خودشناسی و دگرشناسی تأکید دارد، این دانش می‌تواند با رویکردی علمی و کاربردی به ایجاد و ظهور شایسته حس و در پی آن ادراک در مخاطب آیات کمک نماید. در نتیجه همین فرایند است که ارتباطی ایده آل و مطلوب با مخاطب نیز ایجاد خواهد گشت.

از همین روی پرسش اساسی پژوهش حاضر عبارت از این است که:

چگونه می‌توان با بهره‌گیری از دانش روانشناسی، به شناختی مطلوب از مخاطب (مستمع) آیات دست یافته و تلاوت را به گونه‌ای مهندسی نمود که امکان ظهور شایسته احساس و به تبع آن ادراک در وی فراهم آمده و به بیشترین میزان تأثیر بر وی منجر گردد؟
بر این اساس تلاش خواهد گردید با استفاده از امکانات نظری و مفهومی نظریه روان‌شناختی تحلیل رفتار متقابل (A.T) که واضع آن اریک برن می‌باشد، با گونه‌شناسی انواع مهندسی تلاوت از این منظر و شناسایی بهترین نوع آن، پاسخی علمی بر این پرسش ارائه نمایم.

۱- گذری بر نظریه تحلیل رفتار متقابل اریک برن

اریک برن (۱۰ می ۱۹۱۰ - ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۰) روانپزشک آمریکایی - کانادایی نظریه تحلیل رفتار متقابل را مطرح کرده است. سه پایه اصلی این نظریه «والد»، «کودک» و «بالغ» و تحلیل کنش‌ها و واکنش‌های آن‌ها می‌باشد (برن، ۱۳۹۴: ۲۰).

والد به مجموعه آموزش‌ها و تعالیم دیگران در مورد زندگی فرد اشاره دارند. از این رو بر نحوه شکل‌گیری جهان‌بینی و نظام بایدها و نبایدهای فرد تأثیری اساسی دارد. اریک برن والد را به دو نوع ملامت‌گر و حمایتی تقسیم می‌کند (فیروزبخت، ۱۳۹۴: ۲۱). والد ملامت‌گر اعتماد به نفس فرد را سرکوب نموده و در سر او به پخش صداهایی در همین راستا می‌پردازد. از این رو منجر به فعال‌سازی یک کودک سربه‌راه، خجالتی، ترسو و دارای احساس گناه در فرد می‌گردد. اما در مقابل والد حمایت‌کننده به پخش اصواتی با مضامین حمایت و تقویت اعتماد به نفس در او می‌پردازد. حالت والد را می‌توان با سرنخ‌هایی جسمی مانند اخم، لب‌ها را به هم فشردن، سرتکان دادن، پا به زمین کوبیدن، دست روی سینه گذاشتن و لفظی مانند نیچ‌نیچ کردن، آه کشیدن و... شناسایی نمود (هریس، ۱۳۹۹: ۲۵).

کودک که در اندیشه برن منبع خلاقیت و نوآوری در جهان می‌باشد، بازنمای احساس انسان در مورد زندگی است (فیروزبخت، ۱۳۹۴: ۲۱). این حالت از شخصیت درک‌شهودی و کنجکاو فرد نسبت به دنیای پیرامونش را نشان داده و رفتار او را چون یک کودک متبلور می‌سازد. برخی سرنخ‌های جسمی و لفظی کودک عبارتند از: اشک، جیغ، چشم‌گرداندن، ناخن‌جویدن، چشم‌پایین‌انداختن، غش‌غش‌خنده، گنده‌تر، گنده‌ترین، بهتر و بهترین و بیشتر صفات تفضیلی (هریس، ۱۳۹۹: ۸۷). انواع کودک عبارتند از «طبیعی»، «شهودگرا» یا «پرفسورکوجولو» و «انطباقیافته». در نوع اول کودک درون‌دارای حالاتی چون تنفر، عشق، خودانگیخته یا بازی‌گوش است. در نوع دوم کودک فرد دارای حالاتی چون اندیشه‌ورزی، خیال‌پردازی و خلاق می‌باشد. در این وضعیت کودک فرد بسان یک بزرگسال بالغ عمل می‌نماید در حالی که در جستجوی شیطنتهای خاص زمان کودکی، لذت و بازی‌گوشی می‌باشد. در نوع سوم کودک داری حالاتی چون ترس، احساس گناه و خیال‌پردازی بوده و درصدد کسب پاداش از رفتار خویش می‌باشد. در این حالت رفتار فرد بر اساس انتظارات دیگران (والد) شکل می‌گیرد (برن، ۱۳۹۷: ۶۵۴).

بالغ همان‌اندیشه‌اصیل خود فرد در مورد زندگی است. این حالت از همان اوایل نوزادی در روان فرد شکل می‌گیرد. در صورت رشد بیش از اندازه بالغ در فرد، رفتار وی بیش از اندازه جدی و عقلایی بازنمایی می‌گردد. به واسطه حالت بالغ، فرد می‌تواند به تغییر کودک یا والد

خویش اقدام کند. بالغ به واسطه استفاده از قوه عقل نه در زمان گذشته و آینده بلکه در زمان حال و اکنون واقعیات و حقایق را به محک عقل گذارده و با در نظر گرفتن احتمال خطا آن‌ها را می‌سنجد (فیروزبخت، ۱۳۹۴: ۴۷). این امر جهت جلوگیری از آلوده گشتن بالغ به کودک و والد ضرورت دارد. برخی سرنخ‌های لفظی بالغ عبارتند از: چرا، کجا، کی، چطور، احتمالاً، نامعلوم، واقعی، به نظر می‌رسد، می‌فهمم، به باور من (همان: ۸۸).

اریک برن بر این باور است ارتباط میان افراد در صورتی ادامه می‌یابد که حالت شخصیت فرد کنشگر با حالت شخصیت فرد پاسخ دهنده یکدیگر را تکمیل نمایند. به عنوان نمونه ارتباط والد با کودک در صورتی ادامه می‌یابد که همچنان کنشگر در حالت والد و پاسخ دهنده در حالت کودک باشد (برن، ۱۳۹۷: ۲۶۳). در صورت رشد بیش از اندازه هر یک از این حالات و یا تعادل یافتن بخش‌های گوناگون شخصیت به واسطه بالغ، افراد دارای چهار موضع وجودی می‌گردند. موضعی که هر یک در دوران اولیه کودکی (سه تا هفت سالگی) شکل می‌گیرند. این مواضع عبارتند از:

الف) من خوب هستم - تو خوب نیستی

کودک فردی که در گذشته نوازش کافی دریافت نکرده است، بدین انتخاب می‌رسد که من به اندازه کافی خوب نیستم. این گونه افراد معمولاً برای مقابله با این احساس دردناک بعدها موضع وجودی «من خوب هستم، تو خوب نیستی» را انتخاب می‌کنند. فرد دارای این موضع وجودی به واسطه حمله به دیگران و تحقیر و خوار نمودن آن‌ها آرام می‌شود. در این راستا بازی‌هایی را بازنمایی می‌نماید که به واسطه آن‌ها «خوب بودن» خودش و در مقابل «خوب نبودن» دیگران را به آن‌ها اثبات کند.

ب) من خوب نیستم - تو خوب هستی

فرد دارای این موضع وجودی به بازنمایی شرایط زندگی و بازی‌هایی می‌پردازد که به واسطه آن‌ها احساس منفی دوران کودکی اش (عدم دریافت نوازش) زنده شده و در مجموع حالت‌های افسردگی اش استمرار پیدا کند.

ج) من خوب نیستم - تو خوب نیستی

انتخاب این موضع بدترین سناریو و موضع وجودی ممکن توسط فرد می‌باشد. عدم دریافت نوازش و برآورده نشدن نیازهای عاطفی در دوران کودکی وی را بدین نتیجه می‌رساند که «خوب نیست». این مسأله همچنین وی را به نتیجه‌ای یکسان در مورد بدبودن والدش می‌رساند. جهان از نگاه چنین افرادی پر از ناامیدی، سیاهی، تاریکی و فاقد معنای زندگی است.

د) من خوب هستم - تو خوب هستی

وضعیت وجودی «من خوب هستم، تو خوب هستی» نشان‌دهنده رابطه بدون اختلال فرد با دیگران و نمایانگر تأمینگشتن نیازهای کودک به واسطه والد (در این جا مادر) است. این همان وضعیت آرمانی، مطلوب و سالمی است که بر اساس آن فرد رابطه‌ای بالغانه با دیگران برقرار می‌نماید (استینر، ۱۳۹۷: ۲۰-۲۲).

۲- احساس و ادراک در دانش روانشناسی و نسبت آن با هنر تلاوت

روانشناسی احساس شاخه‌ای از دانش روانشناسی است که در بخشی از آن به احساس، چگونگی شکل‌گیری آن و نسبت آن با ادراک می‌پردازد. بر این مبنا حس به منزله فرایندی است که در پی آن پیام عصبی به دریافت کننده‌های حسی (مانند چشم، گوش، بینی و...) انتقال می‌یابد (ایروانی و خداپناهی، ۱۳۷۶: ۲۳). در نتیجه چنین فرایندی است که فرد این پیام را جذب کرده و سپس احساس می‌نماید. بدین سان می‌توان دیدن، شنیدن، چشیدن و مانند این‌ها را احساس نامید. اما ادراک فرایندی پساحسی است. بدین معنا که ضرورتاً پس از احساس اتفاق می‌افتد. در این راستا فرد به تعبیر، تفسیر و تشریح احساس پرداخته و آن را منحصر به خویش می‌گرداند. بدین معنا می‌توان گفت ادراک بر خلاف احساس فرایندی غیربگانه می‌باشد. بدین معنا که افراد بر حسب تجربیات و دانش‌های خویش لزوماً به معنا، تعبیر و تفسیری یکسان در مورد یک احساس واحد دست نمی‌یابند. از همین روی است که می‌توان ادراک را همان «ترکیب اطلاعات حسی با مکانیزم تفکر» دانست (همان: ۱۰). در این راستا آنچه می‌توان به عنوان نسبت احساس و ادراک با هنر تلاوت قرآن طرح نمود این است که در این جا محوریت با قاری (تلاوت‌گرو قرآن) و مستمع

(مخاطب آیات قرآن) می‌باشد. از این منظر تلاوت‌گر قرآن و مستمع آیات در فرایندی تعاملی، احساس و در پی آن ادراک را متبلور می‌سازند، اما احساس و ادراکی معنوی و متعالی. از این منظر مؤلفه روان‌شناختی فرایند مذکور بر این مبنا استوار می‌گردد که تلاوت‌گر آیات وحی به کمک دانش روانشناسی در ابتدا بر روحيات و احساساتش تسلط یافته (خودشناسی) و بر همین اساس به تحلیل و شناختی مناسب از فضای روحی معنوی مخاطب خویش (مخاطب‌شناسی) دست می‌یابد. بر همین اساس وی می‌تواند تلاوت خویش را به گونه‌ای مهندسی نماید که در مستمع به سطحی شایسته در حوزه احساس و به تبع آن ادراک منجر گردد. طبیعی است در این جا تلاوت‌گر قرآن به عنوان یک کنشگر (انجام دهنده یک عمل مبتنی بر آگاهی) معنوی بر اساس مضامین آیات در مستمع حالاتی معنویتر و روحانیتر ایجاد کرده و مستمع را در جهت خلق تصویری شایسته از مضمون آیات (حوزه ادراک) سوق می‌دهد.

۳- تحلیل روان‌شناختی جایگاه مخاطب‌شناسی و نقش احساس و ادراک در مهندسی تلاوت

در این بخش با استفاده از نظریه روان‌شناختی تحلیل رفتار متقابل که بر سه مفهوم کلیدی «والد»، «کودک» و «بالغ» استوار گشته، برآنیم به شناسایی ایده‌آل‌ترین نوع مهندسی تلاوت همّت گماریم. از این منظر نوع ایده‌آل مهندسی تلاوت، تلاوتی را تبلور می‌بخشد که در آن تلاوت‌گر آیات، در درجه اول شناخت و درکی صحیح از احساسات گوناگون درون خود پیدا کرده و به مدیریت شایسته این احساسات در تلاوت خویش همّت می‌گمارد. بر این مبنا شناخت صحیح این احساسات توسط تلاوت‌گر مقدمه‌ای است ضروری در جهت شناخت درست فضای حسی غالب در مجلس تلاوت (حس غالب مخاطبین) و ایجاد ارتباطی متعالی و بسیار اثربخش با آنان. امری که اگر با توجه و دقت بر مضامین و مفاهیم آیات قرآن نیز ممزوج گردد شایسته‌ترین نوع مهندسی تلاوت را به نمایش می‌گذارد. بر این اساس مخاطب کلام وحی خود به عنوان یکی از اجزا و مؤلفه‌های درونی و پراهمیت منظومه تلاوت محسوب می‌گردد نه به عنوان جزئی بیرونی و کم اهمیت. وجود چنین نقش خطیری برای مخاطب در نوع آرمانی مهندسی تلاوت با ویژگی‌های مورد اشاره، خود به ظهور و تجلی شایسته احساس تلاوت‌گر آیات وحی به گونه کاملاً خودآگاهانه در مخاطب و بازگشت آن در تلاوت‌گر منجر می‌گردد. بدیهی است ادراک یا همان تصویرسازی، تفسیر و تعبیر احساس مذکور در درون تلاوت‌گر و مخاطب نیز شایسته‌ترین صورت معنوی خویش را خواهد یافت. امری که انجامش شاید دشوار به نظر آید، اما غیرممکن نیست.

با توجه به مطالبی که بیان گردید در این بخش می‌کوشیم به واسطه نظریه روان‌شناختی تحلیل رفتار متقابل، انواع و اقسام تلاوت را مورد شناسایی قرار دهیم، سپس در خلال توضیح هر یک از انواع تلاوت‌های مذکور، به شرح نوع مهندسی تلاوت صورت گرفته بر اساس جایگاه مخاطب و چگونگی ظهور و بروز احساس و ادراک در وی خواهیم پرداخت. شرح و مقایسه هر یک از انواع تلاوت‌های مذکور در این راستا ما را به ایده‌آل‌ترین نوع مهندسی تلاوت، از منظر روان‌شناختی آن گونه که شرح آن گذشت، رهنمون می‌سازد.

۱-۳ تلاوت والدانه

در تلاوت والدانه (مبتنی بر والد سرزنشی)، تلاوت‌گر آیات قرآن کریم، تلاوتش را مبتنی بر پیام‌هایی طرح‌ریزی و مهندسی می‌نماید که عنصر غالب آن‌ها تکرار و پخش مکرر پیام‌هایی است که در ذهن قاری بر عدم کامیابی، موفقیت و توفیق وی در اجرایی ایده‌آل تأکید می‌ورزند؛ زیرا ساختار روان‌شناختی تلاوت‌گر در این راستا بیشتر بر مبنای پیام «موفق نباش» و بر اساس موضع وجودی «من خوب نیستم» سازماندهی شده است. بر همین مبنا وی هرگز نمی‌تواند از تمامی ظرفیت‌ها، استعدادها و توانایی‌های خویش جهت اجرایی بدیع، فاخر و تأثیرگذار بر مخاطب (مستمع) بهره برد. به همین ترتیب در مسأله القای حس و تداعی ادراکی معنوی در روح و جان مخاطب نیز تلاوت در پایینترین و نازل‌ترین سطح خویش قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که می‌توان گفت مخاطب واقعی این نوع تلاوت، نه شنوندگان و مخاطبان حقیقی حاضر در مجلس تلاوت بلکه همان «والد ملامتگر» درون فرد قاری می‌باشد. بر این اساس مؤلفه‌های اصلی تلاوت (صوت، لحن و تجوید) به گونه‌ای سازماندهی و مهندسی می‌گردند که موضع وجودی بارگذاری شده توسط والد سرزنشی (من خوب نیستم) تبلور یابد. بر این مبنا می‌توان گفت قاری در درون خویش با مخاطبی فرضی و «خاص» مواجه و درصدد جلب رضایت اوست. رضایتی که البته جز با عدم موفقیت و کامیابی او در تلاوت حاصل نمی‌گردد. بدین سان می‌توان گفت در چنین وضعیتی قاری با انبوهی از هیجانات و فعل و انفعالات درونی روبروست تا به ندای والد درون یا

همان مخاطب «خاص» خویش پاسخی مثبت در جهت عدم خوب بودن تلاوتش ابراز دارد. بر این اساس حتی اگر به گونه‌ای تصادفی هم تلاوت وی سطحی از رضایت‌مندی را در میان مستمعین ایجاد نماید، قاری به دلیل پخش مستمر همان پیام سرزنشی در درون خویش، به شدت به سوی عدم پذیرش چنین نوازش‌هایی سوق داده می‌شود.

در تلاوت والدانه (مبتنی بر والد حمایتی) نیز به مانند نوع اخیر، تلاوت‌گر آیات قرآن کریم همچنان تلاوتش را مبتنی بر پیام‌هایی درونی از سوی والد طرح‌ریزی و مهندسی می‌نماید. با این تفاوت که عنصر غالب چنین پیام‌هایی القای حس اعتماد به نفس با پخش پیام «تو موفق هستی» در درون وی و سوق دادن او در جهت یک اجرای ایده‌ال و تأثیرگذار می‌باشد، اما باید گفت در این نوع از تلاوت نیز تلاوت‌گر بیشتر درگیر پیام‌های مخاطب «خاص» خود یعنی والد حمایتی و جلب رضایت اوست. بدین‌سان همچنان مخاطب واقعی یا همان مستمعین حاضر در تلاوت در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. از این منظر باید‌ها و نباید‌های والد حمایتی نیز گرچه خیرخواهانه و در جهت «موفقیت» وی هستند، اما تلاوت‌گر را در موضعی منفعل و غیرفعالانه در جهت ارتباط با مخاطب یا مستمعین تلاوتش سوق می‌دهد. زیرا موفقیت در تلاوت همان چارچوب و ساختار خاصی است که والد حمایتی در ذهن فرد ایجاد نموده نه واقعیت مجلس و مستمعینی که در آنجا تلاوت‌گر به تلاوت می‌پردازد. گرچه باید گفت در تلاوت‌های دارای شرایط مذکور امکان القای مطلوب حس به مخاطب و به تبع آن بروز ادراک معنوی مناسب در مخاطب امری غیرممکن نمی‌باشد، اما نکته حائز اهمیت این است که این سطح تأثیرگذاری نه به طور آگاهانه و مبتنی بر تصمیم قبلی بلکه به گونه‌ای اتفاقی و ناآگاهانه رخ داده است. زیرا این امر حاصل انطباق تصادفی پیام‌های دیکته شده والد حمایتی با فضای روحی و حسی مخاطبین در مجلس تلاوت بوده است.

تلاوت‌های والدانه دارای نشانه‌هایی عینی است که در اثر فعل و انفعالات درونی حاصل از پیام‌های والد در تلاوت‌گر ظهور و بروز می‌یابد. شایع‌ترین این نشانه‌ها انقباض‌های عضلانی در فک، گردن، شانه‌ها و... می‌باشد. به سبب چنین انقباض‌هایی نیز گاهی اوقات کمبود نفس به سبب وجود عامل اضطراب و در پی آن افزایش ضربان قلب در هنگام اجرای قطعات و لرزش صدا بروز می‌یابد. دگرگونی‌های غیر آگاهانه و ناخوشایند در حالت چهره تلاوت‌گر در هنگام تلاوت آیات قرآن که بر احساس و ادراک معنوی مستمع تأثیری منفی وارد می‌سازد، از دیگر نشانه‌های عینی (جسمی) این گونه تلاوت‌هاست. به لحاظ مهندسی تلاوت نیز معمولاً نوعی تعجیل و عدم آرامش در اجرای مقامات موسیقایی تلاوت به چشم می‌خورد که مهندسی شایسته تلاوت را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

۲-۳ تلاوت کودکانه (کودک‌محور)

در تلاوت کودک‌محور مبتنی بر حالت روان‌شناختی کودک طبیعی، نحوه اجرای تلاوت‌گر کاملاً تحت‌الشعاع حالت احساس «اکنون» وی قرار می‌گیرد. احساساتی که می‌توانند «غم»، «عشق»، «غرور»، «کینه»، «خودانگیختگی»، «شادی» و... باشند. در این رابطه می‌توان گفت نحوه چینش و مهندسی اجزای تلاوت توسط تلاوت‌گر به واسطه محوریت و مرکزیت همین حالت‌ها و احساسات «اکنون» وی رقم می‌خورد. از این رو می‌توان گفت در این گونه تلاوت‌ها، تلاوت به مثابه ابزاری است جهت تأیید، تصدیق و بازتولید احساسات و حالت‌های حسی «اکنون» تلاوت‌گر. امری که مخاطب (مستمع) تلاوت را معمولاً با اجرایی مملو از اعتماد به نفس مواجه می‌سازد. گرچه در این نوع از اجرا نیز مخاطب، به خودی خود اهمیتی نداشته و حضورش برای تلاوت‌گر تنها به مثابه ابزاری است جهت همان تصدیق و تأیید حسی مورد اشاره. از این رو می‌توان گفت در این گونه تلاوت‌ها به دلیل «اصالت احساس» خود تلاوت‌گر عملاً مخاطب تلاوت، جایگاهی در نحوه مهندسی تلاوت نخواهد داشت. گرچه ممکن است گاهی اوقات و به طور تصادفی میان حس غالب مخاطب (مستمع یا مستمعین) و حس قاری، انطباق و همگونگی ایجاد گردد، به گونه‌ای که مؤلفه‌های تلاوت در راستایی مهندسی می‌گردد که منجر به ایجاد یک فضای روحی و حسی مناسب در مخاطب و به تبع آن ادراک منطبق با آن شود. اما روشن است که در مواردی غیر از این، این گونه تلاوت‌ها نمی‌توانند در سطحی مطلوب به گونه‌ای مهندسی گردند که به احساس و ادراکی مناسب در مستمع یا مخاطب منجر گردند.

نوع دیگر تلاوت مبتنی بر ساختار کودک‌محور یا کودکانه، تلاوت کودک‌محور مبتنی بر ساختار روان‌شناختی کودک انطباق یافته می‌باشد. در تلاوت‌های مبتنی بر این ساختار، مؤلفه‌های تلاوت به گونه‌ای مهندسی می‌گردند که در درون فرد نوعی حس رضایت‌مندی (رضایت

والد) که حاصل انطباق احساسات فرد با احساسات والد خویش است، رخ داده و به دریافت پاداش (درونی) منجر گردد. در این چارچوب می‌توان گفت چنین تلاوت‌هایی اساساً یا قالبی محافظه‌کارانه، ریسک‌ناپذیر و محتاطانه داشته و یا قالب و بافتی ساختار شکنانه، غیرقابل پیش‌بینی و ریسک‌پذیر می‌یابند. قالب‌هایی که حاصل همان تطبیق حسّ تلاوت‌گر با حسّ والد خویش بوده و نوع اجرا و مهندسی تلاوت وی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. بدیهی است در این گونه تلاوت‌ها نیز مخاطب در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که تلاوت‌گر بیشتر اسیر فعل و انفعالات درون‌یاش در راستای رضایت والد خویش است تا واقعیت بیرونی محفل و یا مجلسی که در آن مخاطب‌ینی به استماع تلاوتش می‌پردازند. گرچه این گونه تلاوت‌ها به ویژه نوع ساختار شکنانه آن می‌توانند به سطحی بالا در حوزه ایجاد احساس و ادراک در مخاطب منجر گردند؛ به ویژه زمانی که چنین ساختار شکنی‌هایی به طور قاعده‌مند، مسموع و موسیقایی رخ داده و قالب اصیل تلاوت را در حوزه صوت و لحن به هم نریزد.

آخرین گونه تلاوت‌های کودک‌محور، تلاوت‌های مبتنی بر ساختار روان‌شناختی کودک شهودگرا می‌باشد. اولین نکته بسیار حائز اهمیت در مورد این گونه تلاوت‌ها این است که شباهتی بسیار با تلاوت‌های با ساختار روان‌شناختی کودک طبیعی می‌یابند، زیرا در این گونه تلاوت نیز چگونگی اجرا و مهندسی مؤلفه‌های تلاوت توسط تلاوت‌گر کاملاً تحت‌الشعاع حالت احساس «اکنون» وی که می‌تواند «شادی»، «ترس»، «اندوه» و غیره باشند، قرار می‌گیرد، اما تفاوت ظریف آن با تلاوت‌های اخیر تلاش تلاوت‌گر جهت پوشاندن جامه‌ای استدلالی (اما در واقعیت شبه‌استدلالی) بر این نوع مهندسی تلاوت می‌باشد. بدین‌سان می‌توان گفت در چنین تلاوت‌هایی، تلاوت‌گر ضمن محوریت قرار دادن حالت احساس «اکنون» خویش و به منصفه ظهور نشانیدن این احساس در تلاوتش، دغدغه‌ای دیگر در راستای توجیه این نوع سازماندهی تلاوت با ادبیاتی علم‌گونه خواهد داشت. اجرایی که از سوی تلاوت‌گر معمولاً به منزله اجرایی «ممتاز»، «برجسته» و «متمایز» تلقی گشته و در صورتی که با نقد مخاطبین خود مواجه گردد، چنین نقدهایی را حاصل ناآگاهی و عدم تخصص دانسته و با ادبیاتی علم‌گونه به امحاء کلی نقد مورد نظر می‌پردازد. از این رو می‌توان گفت به مانند تلاوت‌های مبتنی بر ساختار روان‌شناختی کودک طبیعی، در این گونه تلاوت‌ها نیز مخاطب اساساً جایگاهی اصیل و محوری نداشته و حضور او به مثابه ابزاری انگاشته می‌شود در جهت تصدیق، تأیید و همافزایی احساس «اکنون» تلاوت‌گر و ادراک حاصل از آن. اما نکته حائز اهمیت اینکه این «ابزارانگاری» و این نحوه مهندسی تلاوت برای تلاوت‌گر همیشه قالب و ساختاری شبه‌علمی و استدلال‌گونه داشته و به واسطه چنین مبنا و ساختاری توجیه می‌گردد.

۳-۳- تلاوت بالغانه

در تلاوت بالغانه بر خلاف دو نوع تلاوت والدانه و کودک‌محور، مهندسی تلاوت نه بر اساس اصالت و محوریت پیام‌های والد (حمایت‌گر، ملامت‌گر) در گذشته و نه بر اساس محوریت احساس کودک، بلکه بر اساس قوه عقل و خرد وی در زمان «اکنون» عملی می‌گردد. بهره‌گیری از قوه عقل و خرد به طور متعادل، خودآگاه و یکپارچه‌کننده، تلاوت‌گر را فرای قیودی چون مطلقیت، جزمیت و تعصب در تلاوت‌های والدانه، کودک‌محور و عقلانی صرف قرار می‌دهد. همین ویژگی مورد اشاره است که باعث می‌گردد تلاوت مذکور به ارتباط و پیوند حسی واقعی و اصیل با مخاطب منجر گشته و هیچ گرفتگی و انقباض عضلانی ناشی از پیام‌های والد یا کودک در او ظاهر نگردد. در این گونه از تلاوت، تلاوت‌گر بر خلاف تلاوت‌های والدانه و کودک‌محور به مجری صرف پیام‌های والد و کودک خویش در تلاوت تبدیل نمی‌گردد. از همین روست که جایگاه مخاطب در تلاوت وی نیز صرفاً به منزله ابزاری جهت تأیید و تصدیق پیام‌های والد یا کودک تبدیل نمی‌گردد، بلکه «مخاطب» خود جایگاهی مستقل و قابل احترام در تلاوت می‌یابد که برآمده و بازنمای موضع وجودی «من خوب هستم، تو خوب هستی» از سوی تلاوت‌گر می‌باشد.

از این رو می‌توان گفت تلاوت بالغانه ایده‌آل‌ترین نوع تلاوت است که در آن، تلاوت‌گر محصور و دربند پیام‌های والد یا کودک خویش نبوده و با بهره‌گیری بیواسطه و درست از قوه عقل، منطق و خرد، مؤلفه‌های تلاوت را کاملاً آگاهانه و هوشمندانه متناسب با مجالس تلاوت گوناگون مهندسی می‌نماید. امری که به خوبی نشان دهنده درک و شناختی منطقی، واقع‌گرا و عقلایی از مخاطب تلاوت از سوی تلاوت‌گر می‌باشد. از همین روست که تلاوت‌گر در این گونه تلاوت به اقتضای فضای روحی غالب در مخاطب خویش و هم‌چنین سطح دانش و آگاهی

او نسبت به اصول تخصصی هنر تلاوت چون صوت، لحن و تجوید به اختیار خویش بخش یا بخش‌هایی از حالت‌های سه‌گانه احساس (کودک، والد و بالغ) را برجسته و یا کمرنگ نموده و یا از ترکیبی از آن‌ها استفاده می‌نماید. امری که موجب بیشترین میزان تأثیرگذاری در مخاطب در حوزه احساس و به تبع آن ادراک در تلاوت می‌گردد. از این جهت می‌توان گفت تلاوت بالغانه تنها نوع تلاوت است که در آن مهندسی تلاوت به گونه‌ای انجام می‌پذیرد که در آن «مخاطب» و «ضرورت شناخت او» جایگاهی اساسی و محوری می‌یابد. امری که از سوی تلاوت‌گر، به گونه‌ای خردگرایانه مهندسی تلاوت را در راستای بیشترین میزان تأثیرگذاری بر احساس و به تبع آن ادراک مخاطب سوق می‌دهد. زیرا در این گونه از تلاوت، مخاطب خود به عنوان جزء و بخشی از عناصر سازنده مهندسی تلاوت تلقی گشته و اهمیتی شگرف می‌یابد. بدین‌سان می‌توان گفت تلاوت بالغانه با داشتن بیشترین ظرفیت ممکن در جهت شناخت مخاطب تلاوت و پی‌ریزی مهندسی تلاوت در همین راستا می‌تواند به ظهور احساس و ادراکی شایسته در او منجر گردد. امری که البته بر اساس مضامین و مفاهیم ناب آیات قرآن کریم ظهور و بروز می‌یابد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش پیش رو تلاش گردید از منظر روان‌شناختی و با استفاده از نظریه تحلیل رفتار متقابل دو مسأله ضرورت مخاطب‌شناسی و نقش و جایگاه احساس و ادراک در مهندسی تلاوت مورد بررسی قرار گیرد.

بر اساس این نظریه سه گونه تلاوت والدانه (ملامت‌گرایانه، حمایت‌گرایانه)، کودکانه (انطباقی، طبیعی، خلاق) و بالغانه مورد شناسایی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش حاضر به طور خلاصه عبارتند از:

۱- در تلاوت والدانه حالت روان‌شناختی والد (ملامت‌گر یا حمایت‌گر) در فرد برجسته گشته و تلاوت‌گر را با پیام‌های منفی و مثبت درونی والد خویش مواجه می‌سازد. از همین رو مهندسی تلاوت وی تحت الشعاع پاسخ‌گویی بدین پیام‌ها قرار می‌گیرد. به گونه‌ای که در چنین تلاوت‌هایی مخاطب واقعی تلاوت همان والد تلاوت‌گر است نه حاضرین یا مخاطبین واقعی تلاوت. از این رو اساساً شناخت مخاطب و ضرورت پی‌ریزی مهندسی تلاوت در این گونه تلاوت‌ها مسأله‌ای است بیرونی و کم‌اهمیت، زیرا در این گونه تلاوت‌ها فقط از دریچه والد به مخاطب تلاوت نگریسته می‌شود. در نتیجه احساس تلاوت‌گر نیز در بند و محصور چنین فعل و انفعالاتی قرار گرفته و نخواهد توانست به انتقال و ظهور احساسی اصیل و به تبع آن ادراکی شایسته در مخاطب منجر گردد.

۲- در تلاوت کودکانه حالت روان‌شناختی کودک (انطباقی، طبیعی و خلاق) در فرد برجسته گشته و تلاوت‌گر از دریچه کودک خویش تلاوت را مهندسی و سازماندهی می‌نماید. به طور کلی در این گونه تلاوت‌ها به دلیل اینکه «اصالت» با احساس تلاوت‌گر می‌باشد، امکان پی‌ریزی مهندسی تلاوت در جهت تأثیرگذاری مطلوب بر مخاطب و ماندگاری آن تقویت می‌گردد، اما آنچه به عنوان نقطه ضعف این گونه تلاوت‌ها قلمداد می‌گردد اعتماد و اطمینان افراط‌گونه، اغراق‌گونه و مبالغه‌گرایانه‌ای است که تلاوت‌گر به احساس «اکنون» خویش دارد. از این جهت گرچه مخاطب و یا مستمع تلاوت می‌تواند با تلاوت‌هایی پرشور و هیجان، مملو از احساس و ماندگار مواجه گردد، اما مهندسی چنین تلاوت‌هایی از سوی تلاوت‌گر به گونه‌ای آگاهانه و عالمانه پی‌ریزی نمی‌گردد. بلکه حاصل پیشامدی است تصادفی و ناآگاهانه و امکان تکرار و خلق آن نیز بستگی به ظهور مجدد شرایطی دارد که در آن این انطباق میان احساس تلاوت‌گر و مخاطب و ظهور ادراک در او دوباره ایجاد گردد.

۳- در تلاوت بالغانه حالت روان‌شناختی (بالغ یکپارچه) در فرد برجسته گشته و تلاوت‌گر از دریچه منطقی و خرد و تعادل برقرار ساختن میان حالت‌های گوناگون روان‌شناختی خویش (والد، کودک و بالغ) تلاوت خویش را سازماندهی و مهندسی می‌نماید. از این رو تلاوت‌گر بی‌آنکه محصور و دربند پیام‌های والد و احساس «اکنون» خویش قرار، مدیریتی آگاهانه و مدبرانه بر تمامی این حالت‌ها خواهد داشت. از این رو

می‌تواند به اقتضا و شرایط فضای روحی روان‌شناختی مخاطبین و به واسطه انطباق تلاوت خویش با مضامین و مفاهیم آیات قرآن کریم از تمامی یا بخشی از این حالات در چپش و مهندسی تلاوت خود بهره برد.

بنابراین از منظر روان‌شناختی پژوهش حاضر، تلاوت بالغانه بهترین نوع تلاوت می‌باشد که در آن، مخاطب تلاوت عنصری بیرونی و کماهمیت تلقی نگشته بلکه در کنار دیگر مؤلفه‌های سازنده تلاوت اهمیت و جایگاهی ویژه می‌یابد؛ زیرا تلاوت‌گر دارای حالت بالغ (متعادل)، فراسوی حالت‌های درونی خویش قرار گرفته و از افقی بالاتر اقتضانات و شرایط هر مجلس تلاوت (دانش فنی مخاطبین، مناسبت مجلس تلاوت، دامنه سنی مخاطبین و...) را در نظر می‌گیرد. امری که موجب بیشترین میزان تأثیرگذاری بر مخاطب در حوزه القای حس و به تبع آن ادراک می‌گردد. یافته‌ها و نکات کلیدی پژوهش حاضر در جدول ذیل جمع‌بندی شده است:

حالت روان‌شناختی	نوع مهندسی تلاوت	جایگاه مخاطب‌شناسی	احساس / ادراک	درجه مطلوبیت کلی تلاوت
والد ملامت‌گر	ملامت‌گرا	کاملاً بی‌اهمیت	معطوف به والد	بسیار ضعیف
والد حمایت‌گر	نوازش‌گرا	بی‌اهمیت / ابزارانگار	معطوف به والد	ضعیف تا متوسط
کودک انطباقی	پاداش‌گرا	بی‌اهمیت / ابزارانگار	معطوف به کودک	ضعیف تا متوسط
کودک طبیعی	احساس‌گرا	کاملاً بی‌اهمیت	معطوف به کودک	متوسط تا خوب
کودک خلاق	شبه‌عقلانی	دارای اهمیت / ابزارانگار	معطوف به کودک	متوسط تا خوب
بالغ (یکپارچه)	عقلانی (متعادل)	کاملاً دارای اهمیت	معطوف به مخاطب	ممتاز

منابع و مأخذ

استینر، کلود (۱۳۹۷)، پیش‌نویس‌های زندگی در تحلیل رفتار متقابل، ترجمه علی بابایی زاد و آزاده سجادی نسب، تهران: نشر آویسا

امی.ب. هریس و تامس ای. هریس (۱۳۹۹)، ماندن در وضعیت آخر، ترجمه اسماعیل فصیح، نشر نو

ایروانی، محمود و خداپناهی (۱۳۷۶)، محمدکریم، روان‌شناسی احساس و ادراک، تهران: انتشارات سمت، چاپ چهارم

برن، اریک (۱۳۹۴)، بازی‌ها، ترجمه اسماعیل فصیح، تهران: نشر ذهن آویز

برن، اریک (۱۳۹۷)، تحلیل رفتار متقابل به همراه متن کامل بازی‌ها، ترجمه اسماعیل فصیح (نسخه الکترونیکی نرم‌افزار طاقچه)، نشر نو

فیروزبخت، مهرداد (۱۳۹۴)، اریک برن، بنیانگذار تحلیل رفتار متقابل، نشر دانژه